

## پیش‌خوان

## «انقلاب اسلامی در ایلام» در آئینه یک اثر نوانتشار

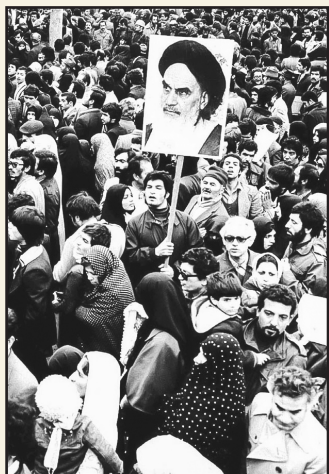
## منطقه‌ای که در آن، انقلاب زودتر به پیروزی رسید!

■ محمدرضا کاتبانی

## اثری که هم اینک در معرفی آن سخن می‌رود، به وقایع نگاری انقلاب اسلامی در خطه ایلام پرداخته است. این پژوهش توسط دکتر سید محمد طاهری مقدم تألیف شده و مرکز اسناد انقلاب



اسلامی به‌انتشار آن همت گماشته‌است.تاریخ‌نمای ناشر کتاب، در باب موضوع آن اشاراتی به ترتیب بی‌امده دارد: «نخستین اقدامات مردم ایلام در همراهی با نهضت اسلامی، در اوایل دهه ۱۳۴۰ و پس از قیام خونین ۱۵ خرداد و سپس تبعید امام‌خمینی(ره) شکل گرفت. به‌دنبال تبعید امام در سال ۱۳۴۳، با تلاش‌های علما و فقهایی برجسته این منطقه، مردم ایلام بانادیشه‌های امام ورسالت ایشان در مبارزه با رژیم شاهنشاهی آشنا شدند. تبعید امام به عراق و سکونت ایشان در نجف‌اشرف و نزدیکی وار تباط‌آن شهر با ایلام، عاملی بود که مردم ایلام را بسا انقلاب و امام‌مانوس‌تر کرد. لذا ساواک کار ویژه‌ای را برای کنترل منطقه و رصد نواحی مرزی طراحی کرد. با آغاز دهه ۱۳۵۰، انقلاب اسلامی در ایلام با رهبری علما و روحانیون وارد مرحله جدیدی شد و با فعالیت علمایی چون: آیت‌الله محمدتقی مروارید، حجج اسلام جهانبخش (محمد) تعمیرکاری، عبدالرحمان حیدری، عباس سلطانی شوم‌آبادی و محمدتقی لطفی و افزایش آگاهی مردم، تعداد پیشدستی‌ری از مردم به جریان انقلاب پیوستند. با اوج‌گیری انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۶، به‌واسطه شدت مبارزات مردم ایلام علیه رژیم در ماه‌های پایانی حکومت پهلوی، ساواک و نیروهای نظامی توان مقابله با مردم را نداشتند.ویارها از مرکز و استان‌های همجوار، در خواست نیروی کمکی کردند. ناتوانی نیروهای رژیم باعث شد تا بسیاری از افراد مرتبط با ساواک و شهرپای،



▼ ۱۳۵۷: یکی از راهپیمای‌های انقلاب اسلامی

قبل از پیروزی نهایی انقلاب اسلامی از ایلام فرار کنند و انقلاب اسلامی در ایلام، عملاً قبل از سایر نقاط کشور به پیروزی رسید…».

انقلاب اسلامی در ایلام، در بخشی از گزارش مستند خویش از انقلاب اسلامی در آن خطه، به‌وقایع مهرماه ۵۷ اشاره می‌کند و می‌نویسد: «در ادامه مخالفت‌های مردم ایلام علیه رژیم پهلوی، در ساعت ۴۳۰ بعدازظهر روز ۱۱ مهرماه ۱۳۵۷، گروهی از زنان و دانش‌آموزان دختر مدارس ایلام، با پوشیدن کت‌های سبز و کلاه‌های قرمز، در شهر ایلام دست به تظاهرات زدند. تظاهر کنندگان ضمن سردادن شعارهای ضددولتی، مردم را به پشتیبانی و پیوستن به انقلابیون دعوت می‌کردند. این تظاهرات خیابانی را می‌توان اولین تظاهرات زنان انقلابی ایلام علیه رژیم پهلوی، به صورت گسترده و منسجم دانست. زیرا اگر چه تا پیش از آن نیز زنان ایلامی در مبارزه علیه رژیم فعالیت می‌کردند حتی در راهپیمایی‌ها شرکت می‌کردند، ولی در این زمان این زنان بودند که محوریت راهپیمایی را برعهده گرفتند. تظاهرات دانش‌آموزان دختر در تاریخ هفدهم مهرماه ۵۷ در ایلام ادامه یافت. روزنامه اطلاعات به این موضوع اشاره می‌کند: صبح و بعدازظهر دانش‌آموزان مدارس راهنمایی تحصیلی دخترانه ماندانا که همگی چادر و روبند به سر و چهره داشتند در خیابان خیام این شهر به راه افتادند و یادان شعار در مسیر خیابان‌های خیام و عبداللّهی راهپیمایی کردند این تظاهرات تاظهر ادامه داشت و بدون دخالت پلیس پایان یافت. آنها ساعت ۳ بعدازظهر در محوطه مدرسه راهنمایی تحصیلی ماندانا اجتماع کرده بودند، هنگام بیرون آمدن به خیابان مأمورین پلیس با پرتاب گاز اشک‌آور آنها را متفرق کردند. به تدریج اعتراضات مردمی گسترش یافت و کارکنان ادارات و دستگاه‌های دولتی نیز به انقلابیون پیوستند و دست به اعتصاب زدند. با گسترش اعتراضات و فعالیت‌های انقلابی، مردم حکومت پهلوی روزبه‌روز در آستانه‌اضمحلال بیشتر قرار می‌گرفت و در عین حال ظلم و تعدی مسئولان حکومتی در حال افزایش بود…».

## مقالات

تاریخ: ۸۸۹۹۸۴۲۷



**عبدالحمید اسماعیل زهی، نظر به پیشینه، جستاری در اکنون**

# تناقض‌گویی، اختلاف افکنی

# آشوب‌سازی و دیگر هیچ!

■ **انوشه میر مرعی**

در جریان اغتشاشات دو ماهه اخیر، یکی از استان‌هایی که برخی از شهرهای آن دچار التهاب و آشوب شد، استان سیستان و بلوچستان بود. البته واقعیت غیر قابل انکار این است که بسیاری از شهرهای این استان، در این مدت در آرامش بوده است. اما اینکه چسر در برخی از شهرهای این استان شورش برپا شده؟ چان عده‌ای بیگانه به ناحق گرفته شده؟ و خسارات زیادی به اموال مردم و بیت‌المال وارد شده؟ و اینکه این شورها چه ارتباطی با مواضع «مولوی عبدالحمید» و طرفداران او در آن شهرها داشته است، نکته‌ای است که در مقال بی‌آمده، مورد بازخوانی قرار داده‌ایم. امید آنکه تاریخ پژوهان معاصر و عموم علاقمندان را مقید و مقبول آید.

■ ■ ■

■ **اشارات نخست**

استان سیستان و بلوچستان، از استان‌های وسیع و پر نعمت کشور است. این استان ۲۶ شهرستان اصلی دارد و مردمان این استان، از دو قوم اصلی بلوچ و سیستانی (سکستانی) تشکیل شده‌اند که هر دو از اقوام قدیمی ایران زمین به شمار می‌روند. بلوچ‌های ایران، از دو طایفه اصلی مکرانی و سرحدی و زب‌شاخه‌های آن هستند. بخشی از مردمان این استان از اهل سنت و بخشی از آنان نیز، شیعه مذهب هستند. البته حدود دودرصد از جمعیت این استان هم، از اقلیت‌های دینی‌اند. اما جالب است که به دلیل ازدواج‌های فراوان میان زنان و مردان شیعه و سنی با هم در این استان، تعیین درصد دقیق جمعیت شیعه و سنی آن بسیار دشوار می‌نماید. صداالبته که باید این نکته را هم در نظر داشت که مردمان شیعه و سنی این استان در طول قرن‌ها، هیچ مشکلی با یکدیگر نداشتند و در کنار صلح و صفا در کنار هم زندگی می‌کنند.

دشمنان نظام جمهوری اسلامی اما به دنبال اهدافی چون تجزیه ایران، تفرقه افکنی و ایجاد بلوا و شورش در کشورمان هستند. از سرائیز خاص این استان ابرخی محروم‌هست‌ها، کم‌کاری برخی مسئولان استانی و منطقه‌ای در سال‌های گذشته و خلأهای فرهنگی آ غافل نبوده و با سوء‌استفاده از آن، به دنبال تفرقه افکنی، ایجاد جنگ مذهبی و ایجاد آشوب و شورش، به ویژه در یک دهه اخیر بوده‌اند. اما اینکه چرا دشمن توانست در این مقطع، موفقیت‌های محدودی در ایجاد بلوا و آشوب در این استان پیدا کند را باید به چند دلیل از جمله سخنان تحریک‌آمیز و تفرقه افکنانه مولوی عبدالحمید اسماعیل زهی، از روحانیون فعال شهر زاهدان دانست.

■ **مولوی عبدالحمید کیست؟**

عبدالحمید اسماعیل‌زهی معزوف به‌مولوی عبدالحمید، در سال ۱۳۲۶. ش، در روستای گلوگاه زاهدان متولد شده است. وی بعد از طی مراحل مقدماتی، برای ادامه تحصیلات دینی به پاکستان رفت و در مدرسه دینی «دارالهدی» در ایالت سند، مشغول تحصیل شد. مدتی بعد اما راهی ایالت «پنجاب»، در منطقه «پهاول پور» شد و نزد «عبدالله در خواستی» رئیس «جمعیت علمای اسلام» درس خواند. سپس به حوضه علمیه «درالعلوم رحیم یارخان» رفت و در آنجا نزد «عبدالفنی جاجروی» تفسیر و حدیث خواند و در سال ۱۳۴۹. ش و بعد از فارغ التحصیلی، به ایران و شهر زاهدان بازگشت. نامبرده در زاهدان، نزد مولوی عبدالعزیز

از علمای بزرگ منطقه رفت و توسط وی، به مجلس علمایی بجزو: «مولانا مفتی کفایت‌الله ولوی»، «مولانا حسین احمد مدنی» و «مولانا قاری محمد طیب قاسمی» راه یافت و نزد آنها به ادامه تحصیل پرداخت. فارغ التحصیلی مولوی عبدالحمید و بازگشت او به زاهدان، با مقطع تأسیس حوزه علمیه دارالعلوم زاهدان توسط مولانا عبدالعزیز همزمان شد و به همین دلیل نیز وی توانست از همان سال، تدریس را در این حوزه علمیه آغاز کند. البته بعد از بروز بسیاری قلیبی مولوی عبدالعزیز ملازده بانی و بدستوری وی، مولوی عبدالحمید اسماعیل زهی مدیریت دارالعلوم زاهدان را از سال ۱۳۵۶. ش به عهده گرفت.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی اما و براساس سیاست «وحدت مسلمین» که از آرمان‌های بلند حضرت امام خمینی(ره) بود و با حمایت گسترده نظام جمهوری اسلامی، ساخت مدارس دینی برادران اهل سنت در کل ایران، ۱۰ برابر شد و تعداد این مدارس در طی چهار دهه، به ۵۰۴ مدرسه رسید! طبیعتاً در همین مدارس فضای حمایتی نظام، طلاب و اساتید اهل سنت توانستند رشد کنند و صاحب علم و مقام شوند. کم‌اینکه مولوی عبدالحمید هم، از همین امکانات استفاده کرد و توانست به مقامات دینی و



مولوی عبدالحمید اسماعیل زهی

## بررسی مواضع و عملکرد عبدالحمید در طی دو دهه گذشته، موجب شده است که وی در بسیاری از موارد، به سخنگوی دشمنان نظام در داخل تبدیل شود و وجهت و مشرووعیت وی در نزد اهل سنت و بزرگان آن از بین برود. همچنین مواضع ضدملی، توهین‌های ایشان به برخی از مراجع بزرگ شیعه همچون آیت‌الله مکارم شیرازی و ننسستن بر سفره رنگین آل سعود و همراهی سیاسی با آنها، باعث شده که احترام وی در نزد شیعیان ایران هم، دچار خدشه اساسی شود

سیاسی حکومتی برسد. امری که در شناخت وی، نباید از آن غفلت کرد.

■ **مواضع متناقض و عجیب مولوی عبدالحمید!**
در طی دو دهه اخیر، مولوی عبدالحمید اظهارات و مواضع مختلفی داشته که حاشیه‌های فراوانی را برای وی، منطقه سیستان و بلوچستان و کشور ایجاد کرده است. نکته مهم و اصلی این اظهارات و مواضع، در این ماجراست که نامبرده بر طبق تحصیلات و تفرکات مذهبی خود (حنفی مذهب بودن)، پیرو تفکر و سلوک حوزه علمیه دیوبندی است و قاعدتاً باید مرزندی محکمی و تفکر وهایی داشته باشد. مثلاً اهل توسل و زیارت بزرگان و محب اهل بیت (علیهم‌السلام) باشد. اما به دلیل مراده و ارتباطاتی که با آل سعود دارد، سخنانی بر زبان می‌آورد که در تضاد با عقاید حنفی و سلوک دیوبندی‌هاست و در حوزه اندیشه‌های تکفیری و وهابيون قرار می‌گیرد. این تضادها در بسیاری از دفعات، مورد انتقاد علمای حنفی مذهب سایر مناطق ایران قرار گرفته است.

اما گذشته از این موضوع، او بارها ادعاهایی را درباره برخی موضوعات بیان داشته، اما پس از روشن شدن مسئله و غلط بودن آنها، یا سخنج شیوع خویش را عرض کرده، یا اینکه با سکوت و عدم عذرخواهی برای ادعای غلطی که مطرح کرده بوده، از کنار آن عبور کرده است! مولوی عبدالحمید به لحاظ سیاسی، طرف‌دار جناح چپ و اصلاح‌طلبان است و در حوادث سیاسی داخلی به ویژه در جریان فتنه ۸۸، به شکل علنی از این جریان حمایت کرده است، درحالی‌که امامان جمعه اجازه ندارند تا به شکل علنی، از یک جناح یا حزب سیاسی طرف‌داری کنند و منافع ملی را زیر پا بگذارند. در این میان می‌توان یکی از شادترین و عجیب‌ترین مواضع مولوی عبدالحمید در سال‌های اخیر را، در زمان شیوع بیماری کرونا در ایران دانست. به خصوص در آنجا که عامل شیوع بیماری در ایران را، طلاب چینی جامعه‌المصطفی معرفی کرده بود! علاوه بر آن، اینکه بیماری کرونا را لشکر خدا عنوان کرده بود که برای عذاب کردن چینی‌ها به آن کشور فرستاده موده‌! و… از این قبیل. حتی طالب است که وی در سال ۱۳۹۶. ش و در زمان وقوع زلزله خراب‌های گشاهان مردمان آن منطقه مطرح کرده بود که البته اظهارات و سخنان نامبرده درباره بیماری کرونا، با واکنش‌های مختلف علمای سنی و شیعه مواجه شد و به شکل مبسوط و علمی، پاسخ‌ادعاهای کذائی وی منتشر گشت. (خبرگزاری فارس، مورخ ۵ فروردین ۱۴۰۱. ش)

همچنین توهین‌های مکرری و به مسلمانان فلسطین و ادعای اینکه آنها نماز نمی‌خوانند و برای همین نمی‌توانند کشورشان را از چنگال اسرائیل نجات دهند هم از مواردی است که باعث سرسرازیر شدن سبیل انتقادات به سمت مواضع ناصواب وی شده است. دیگر اینکه وی بارها در زمان جنگ سوریه با گروهک‌های تکفیری و داعش، علیه سیاست راهبردی جمهوری اسلامی ایران در سوریه، موضع گرفت و به آن حمله کرد و این در حالی بود که بسیاری از اهل تسنن سیستان و بلوچستان، بدون توجه به سخنان ضد ملی مولوی عبدالحمید، به صف مجاهدان و مدافعان حرم پیوسته و حتی تیب «تیبویون» را هم در سال ۱۳۹۴. ش تشکیل دادند. رزمندگان این تیب در دو سال حضور در سوریه، در دو منطقه حلب و تدمر، رشادت‌های بسیاری از خود نشان دادند، تا جایی‌که مقاومت و جنگاوری آنها با

## بسیاری می‌دانند که مواضع اخیر مولوی عبدالحمید در حمایت از زنان، با تفکر و عملکرد نامبرده درباره زنان، در تضاد کامل است.

وی بنا بر تفکر سنتی خود، مخالف حضور زنان برای اقامه نماز در مسجد جامع مکی زاهدان است. همچنین تا بهه حال از او دیده یا شنیده نشده که فعالیت یا حتی موضع‌گیری روشنی علیه رفتارهای ضدزن برخی از افراد در استان از دواج اجباری، تحمیل ازدواج به دختران در سنین بسیار پایین و تضییع حقوق بانوان بلوچ

عناصر داعش، تحسین همگان را در پی‌داشت. در ضمن رزمندگان اهل سنت این تیب در این مجاهدت‌ها، شهدایی چون «سلمان برجسته و عمر ملازی» را تقدیم اسلام کردند. (خبرگزاری فارس، مورخ ۱۲ مهر ۱۴۰۱. ش)

■ **مولوی عبدالحمید و اغتشاشات ۲ ماهه اخیر**

با شروع اغتشاشات دو ماه گذشته، مولوی عبدالحمید که گویی خود را مؤظف به برهم زدن آرامش منطقه و تحریک برای ایجاد اغتشاش می‌داند، در خطبه ۸ مهر ۱۴۰۱. ش و در سخنانی التهاب آفرین با مطرح کردن یک پرونده قدیمی درباره تجاوز به یک دختر بلوچ آپرئوینده این جرم در دادگاه در حال رسیدگی است و متهم آن دستگیر شده است! موجب حمله برخی از نمازگزاران مسجد مکی به کلانتری ۱۶ زاهدان، در نزدیک مطلی شد. همچنین در همان زمان، چند فرد مسلح که در میان نمازگزاران هیجان زده مخفی شده بودند، به سمت مأموران امنیتی و نیروی انتظامی تیراندازی کردند که این عمل به تقابل آتش میان دو طرف انجامید و در طی آن، چندین نفر کشته شدند که از جمله آنها عبدالحمید ریگی – برادر عبدالمالک ریگی- و یاسر شه بخش از اعضای گروهک تروریستی جیش الظلم بودند. البته در جریان وقایع ۱۰ روز، به غیر از تخریب اموال و مغازه‌های مردم، آسیب رساندن به بیت‌المال، چندین قسر بی‌گناه از مردم عادی و نیروهای امنیتی و انتظامی هم به شهادت رسیدند.

به این ترتیب مولوی عبدالحمید به عنوان کسی که خود محرک اصلی اغتشاشات ۸ مهر بود، منتقد نظام شد که چسر در آن روز به طرف نمازگزاران تیراندازی شده است!! اما مدتی بعد از فروکش کردن التهابات ایجاد شده در زاهدان، عبدالحمید مجدداً در خطبه نماز جمعه ۱۳ آبان مسجد مکی، سخنان تحریک‌آمیز و البته متناقض با عقاید و عملکرد پیشین خود بر زبان آورد که اعتراضات فراوانی را به دنبال داشت. وی در آن خطبه جملات به شدت ساختار شکنانه‌ای چون: «این مردم خون دیده‌اند و کشته داده‌اند، نمی‌توانید آنها را بیسرون برانید…»، «فراندمی فوری با حضور ناظران بین‌المللی برگزار کنید…»، «ایران یکی از کشورهای استثنایی از لحاظ منابع و معادن در جهان است که امروز به خاک نشسته است…»، «مغزهای متفکر همه

فراری شده‌اند…»، «زنان به حجاب تنفر پیدا کرده‌اند…»، «وقتی زنان را از همه چیز محروم کرده‌اید و می‌خواهید ملت را به‌زور به بهشت ببرید، بدانید که شیعه و سنی به‌زور به بهشت نمی‌رود…» را به زبان آورد! (خبرگزاری تسنیم، مورخ ۱۵ آبان ۱۴۰۱. ش). این اظهارات وی، با استقبال شدید دشمنان اسلام مواجه شد.

البته این در حالی است که بسیاری می‌دانند مواضع مولوی عبدالحمید در حمایت از زنان در آن روز، در تضاد کامل با تفکر و عملکرد نامبرده درباره زنان است. وی بنا بر تفکر سنتی خود، مخالف حضور زنان برای اقامه نماز در مسجد جامع مکی زاهدان است. همچنین تا به حال از او دیده یا شنیده نشده که فعالیت یا حتی موضع‌گیری محکمی علیه رفتارهای ضدزن برخی از افراد در استان خود داشته باشد. رفتارهایی چون: ازدواج اجباری و بدون رضایت دختر، تحمیل ازدواج به دختران در سنین بسیار پایین و تضییع حقوق بانواں بلوچ و از این قبیل. این در حالی است که عرف‌های غلط در میان برخی از مردمان سیستان و بلوچستان، به رفتار بسا بانوان به قدری فراوان بوده، رهبر معظم انقلاب اسلامی در سفر به سیستان و بلوچستان، در تاریخ ۲ اسفند ۱۳۸۱. ش، درباره وضعیت زنان بلوچ و ظلم‌هایی که به آنها روا شده، فرمودند:

«همه زن و مرد، باید در صف واحد باشند. زن‌های ما هم به فضل الهی در دوره حاکمیت اسلام، مثل مردها در جبهه‌های دفاع از مقدسات و ارزش‌ها ایستاده‌اند. این جوانانی که در جبهه جنگ یا در مبارزه با اشرار و مفسدان اجتماعی ال‌سعود و همراهی سیاسی با آنها، باعث شده همین دامن‌های پاکند. البته در این جا باید عرض کنم که در بعضی از مناطق کشور ما از

جمله در همین منطقه، نیاز هست به این که احترام، حرمت و کرامت زن بیشتر حفظ شود. زن بلوچ، زن مظلومی است: فرزند زیاد، ازدواج تمحیلی، فرزند تمحیلی و عدم فرصت برای باز یافتن خود و هویت خود از جمله چیزهایی است که من در مدت اقامت در بلوچستان از نزدیک شاهد بودم. مردهای بلوچ باید زن‌های خود را بیشتر ملاحظه کنند. زن‌های بلوچ همان کسانی هستند که این جوانان رشید را در دامان پاکشان پرورش دادند. زن بلوچ مثل مرد بلوچ و زن سیستانی مثل مرد سیستانی، دارای کرامت و شجاعت و عزّت است و این عزّت باید حفظ شود. آنچه که امروز برای مادر منطقه سیستان و بلوچستان در درجه اول اهمیت قرار دارد…».

در ایسن میان نکته جالب اینکه خود مولوی عبدالحمید، در قلمی که در فضای مجازی موجود است، به صراحت از ارشاد بانوان کشف حجاب کرده در زاهدان حمایت کرده

و می‌گوید:

«پوشش زن مسلمان از احکام اسلام است. اگر دختری در زاهدان حجاب بردارد، او را ارشاد می‌کنیم…»، و دقیقاً به همین دلیل، نمی‌توان سخنان روز ۱۳ آبان وی را در حمایت از دختران و زنان، صادقه دانست.

■ **مخالفت علمای اهل سنت با مواضع مولوی عبدالحمید**

مولوی عبدالحمید داعیه رهبری اهل سنت ایران را دارد و در سنال گذشته و در خطبه‌های نماز جمعه ۵دی ۱۴۰۰. ش، با اظهاراتی مداخله جویانه در امور شورای رهبری اهل سنت منطقه کردستان، به نحوه مدیریت آنها بر حوزه‌های علمیه آن مناطق ایراد گرفته و خود را رهبر اهل سنت ایران نامیده بود. در مقابل ائمه جمعه، شورای افتا و روحانیون اهل سنت کردستان، با صدور بیانیه‌ای در تاریخ ۱۰ دی ۱۴۰۰. ش، به آن اظهارات مداخله جویانه پاسخ دادند. در بخشی از آن بیانیه آمده بود:

«آنچه را که در نماز جمعه زاهدان، در مورد شرایط اهل سنت کردستان، خصوصاً علمای این سامان مبسوطاً بیان داشته‌اید، روایتی است که در آن درایتی دیده نمی‌شود. جایگاه جامع‌الهی ایجاد می‌کرد که به آن گزارش‌های ناقص و نارس و نامام و احیاناً تحریف شده، اکتفا نمی‌کردید و خدمات گسترده نظام اسلامی به روحانیت معزز و طلاب گرامی این دیار و خاک خرد خیز کردستان را، نادیده نمی‌انگاشتید و زنان به شماتت خردمان فرهنگ و فرزانی و حافظان امنیت کردستان نمی‌گشودید. کبرت کلمه تخرخ من افواههم…» (خبرگزاری دانا، ۱۰ دی ۱۴۰۰. ش، کد خبر ۱۷۹۶۶۹۳)

عبدالحمید در چنین شرایطی، دوباره در خطبه ۱۳ آبان ادعاهای خود رهبرپنداری خویش در میان اهل سنت ایران را تکرار کرد. جالب است که این دفعه نیز علمای باصیرت اهل سنت در نقاط مختلف کشور، علیه سخنان سخیف و تفرقه افکنانه مولوی عبدالحمید در خطبه‌های نماز جمعه روز ۱۳ آبان ۱۴۰۱. ش، موضع گرفتند. به‌طور مثال «ماموستا عبدالرحمن خدایی» عالم برجسته‌اهل سنت در کردستان و امام جمعه شهر باهنر، در واکنش به سخنان ملاعبدالحمید اظهار داشت: «دشمنان مسئله شیعه و سنی را بیان می‌کنند و نباید با سخنانی نسنجیده، تمایز ارضی کشور توسط عالمان اهل سنت زیر سؤال برود، در حالی که در کشورمان بین اهل تشیع و تسنن، هیچ مشکلی نیست و با دوستی و محبت در کنار هم زندگی می‌کنند و از همسایگی، ارتباط و رفت‌وآمد با یکدیگر خوشحال هستند و رابطه آنها با هم گرم و صمیمی است…».

همچنین «مولوی عبدالجلیل فرهند» عالم اهل سنت شرق استان گلستان، در واکنش به اظهارات وحدت‌شکنانه عبدالحمید اسماعیل زهی گفت: «اینکه جمهوری اسلامی ایران برای مردم مقبولیت و مشرووعیت دارد، به واسطه حضور گسترده و فعال مردم در صحنه‌های مهم انقلاب و نظام اثبات شده است… وقتی مردم در صحنه‌های مختلف نظام و انقلاب، شعار به شرفی، نه غربی، جمهوری اسلامی سر می‌دهند، حریف‌زدن از مداخله جماع بین‌المللی، زیر سؤال بردن استقلال کشور و بزمنه حاکمیت بیگانه است…»، علاوه بر این بزنگار، «آخوند یوسف سخندان» عالم اهل سنت بندر ترکمن، «ماموستا محمد امین» عالم اهل سنت و امام جمعه موقت سسندج، «ماموستا سعیدیان» از علمای برجسته اهل سنت کردستان و تنی چند از سایر علمای اهل سنت کشور، علیه سخنان ساختار شکنانه و تفرقه افکنانه مولوی عبدالحمید موضع گرفتند. (روزنامه کیهان، شماره ۲۳۱۶۱، مورخ ۱۶ آبان ۱۴۰۱. ش، ص ۱۴۰) (۱)

■ **کلاد آمر**

بررسی مواضع و سخنان مولوی عبدالحمید در طی دو دهه گذشته و عملکرد وی موجب شده است که وی در بسیاری از موارد، به سخنگوی دشمنان نظام در داخل تبدیل شود و وجهت و مشرووعیت وی در نزد بزرگان اهل سنت و عموم سنی‌مذهبان ایران اسلامی از بین برود. همچنین مواضع ضدملی، توهین‌های ایشان به برخی از مراجع بزرگ شیعه همچون حضرت آیت‌الله مکارم شیرازی و نشستن بر سفره رنگین آل‌سعود و همراهی سیاسی با آنها، باعث شده که احترام وی در نزد شیعیان ایران هم دچار خدشه اساسی شود.